

دادن صورتی از نام کتابهای خواندنی در فلسفه، راه را برای پژوهندگان هموار ساخته است. چاپ کتاب که توسط «نشرنی» انجام شده است نمونه ای است از پیشرفت چاپ خوب و برابر پهلو با کتب لوکسی که در خارج از ایران در زمینه هایی از این قبیل منتشر می شود و به راستی تحسین برانگیز است. حسن کامشاد کار بزرگ ترجمه خود را به مقاله ای ساده که استنتاج کلی از فلسفه و آینده آن است به پایان می برد. عباراتی از این مقاله کوتاه خواندنی در فصل آخر کتاب به این صورت آمده است: «تقریباً همه فیلسوفانی که در زمان حیات خود مشهورند اندکی بعد، از یاد می روند. تنها شماری اندک خصوصاً کسانی که در این کتاب از آنها یاد شده است نامشان پایدار می ماند...»

می توان نسبتاً یقین داشت که اگر بنا باشد صد سال بعد از فلاسفه امروز نامی باقی بماند فقط نام یکی دو تن خواهد بود. بقیه به همان بوته فراموشی سپرده خواهند شد که بیشتر فیلسوفان نامی قرن های پیش سپرده شدند. اسلوب فکری رایج هر نسل نه تنها نشانگر آینده نیست، بلکه به نحوی کمابیش محتوم، محکوم به فناست.

این واقعیات طبعاً نشان می دهد که فلسفه در آینده نزدیک احتمالاً از بزرگانی که به تازگی در گذشته اند کاملاً تأثیر خواهد پذیرفت. در واکنش به چالش های وجودی که نیچه در برابر ما نهاده رگه ای غنی در هایدگر است که باید سر از معنایش درآورد و نیز در واکنش به چالش های علوم پیوسته در تغییر، و پدید آمدن بیشتر و بیشتر جامعه های دموکراتیک، رگه هایی غنی در «پوپر» هست که باید به مفهومشان پی برد. علاقه سیری ناپذیری که مردم دموکراسی های نوین به آثار پوپر نشان می دهند همین حالا هم جالب توجه است.

چشم انداز فلسفه در جامعه ما امیدبخش است. ولی فلسفه از یک لحاظ شبیه موسیقی است. از این لحاظ که با وجود استفاده های علمی گوناگونی که از آن می شود، ارزش اصلی در نفس آن است. ما ای بسا به علت محدودیت های بشری مان هرگز نتوانیم پاسخ اساسی ترین پرسشهایمان را پیدا کنیم. ولی می توانیم در آدرا کمان از وضعیت انسان، به پیشرفتی چنان ارزشمند نایل شویم که حتی اگر هم هیچگاه از آن نظر به هدف غایی نرسیدیم خود این سیر و سیاحت را تجربه ای آتقدیر سرشار و غنابخش بیابیم که ارزش داشته باشد به خاطر خودش به آن بپردازیم. پاسخ نهایی شاید وجود نداشته باشد ولی چیزهای آموختنی بسیار است.

شناسنامه کتاب:

سرگذشت فلسفه

داستان جذاب ۲۵۰۰ سال فلسفه

مغرب زمین از یونان باستان تا کنون

تألیف: برایان مگی، ترجمه: حسن کامشاد،

ویراستار: هومن پناهنده،

ناشر: نشر نی-تهران-۱۳۸۶،

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

دنباله مطلب در صفحه ۴۴

هنوز فرصت داریم که درباره این «جویندگان طلا» ی پکنی بنویسیم اما نه گمان برید که تنها در پکن وضع بدین منوال است. این روزها المپیک معدن طلای تاجران بزرگ جهان است. آنها می دانند که جهان دو هفته ای مدهوش این بازیها خواهد بود. پس باید نام کالا و محصولاتش همه جا باشد تا «لذت فروش» از دست نرود.

«سرگذشت فلسفه»، کاری کارستان

آقای حسن کامشاد را هرگز ندیده ام و حتی بخت صحبت تلفنی با ایشان را هم نداشته ام. فقط می دانم که در لندن سکونت دارد و آرام و بی تظاهر به ترجمه آثاری دست می زند که چراغ راه جویندگان امروز و پویندگان راه فرداست. این آدمهای ایرانی در خارج از وطن که می توانند کارهای خود را در تهران منتشر کنند و به دست علاقمندان برسانند شخصیت های عزیزی هستند که باید همتشان را پاس داشت و لطف کارشان این است که اهل سر و صدای بی جهت نیستند. من اینان را بر جنجالگران خارج و هوچی های داخل ترجیح می دهم زیرا در کار و آثارشان خیز برداشتن به سوی کرسی و مسند نمی بینم. آقای کامشاد کتابی در تهران منتشر کرده است به نام «سرگذشت فلسفه» با زیر عنوان «داستان جذاب ۲۵۰۰ سال فلسفه مغرب زمین از یونان باستان تا کنون». کتاب توسط «برایان مگی» که استاد دانشگاه آکسفورد و همسرتر از آن، ستون نویس روزنامه معتبر تایمز لندن است، تألیف شده است. کتاب «سرگذشت فلسفه» در حقیقت یک دیکشنری جامع و فشرده از سرگذشت فلسفه در غرب است که می تواند روی میز کار هر پژوهنده و به ویژه هر روزنامه نگار باشد تا به انداختن نگاهی به آن به راحتی جواب سؤالی را در مورد طرز فکر فرضاً «هانری برگسن» فیلسوف یهودی تبار لهستانی و بزرگ شده در فرهنگ فرانسوی را طی چند سطر پیدا کند و فرضاً آدمی مثل این بنده با خود بیندیشد که این فیلسوف، در تفکر آیا به همان راهی نمی رفته است که شیخ محمود شبستری صاحب مثنوی «گلشن راز» چند قرن پیش از آن سالک این طریق بوده؟

کار سترگ آقای کامشاد در کتاب «سرگذشت فلسفه» نگاه کردن، ساده کردن و به زبان فارسی آسوده نوشتن موضوعاتی است که طبعاً مؤلف هم به دلیل روزنامه نگار بودنش به همان زبان نوشته است. نکته دیگری که در کار این کتاب باید مورد توجه قرار گیرد همانا ویراستاری و عرضه مطالب به صورتی است که دستیابی به هر نکته را آسان می کند. من چون متن انگلیسی کتاب را ندیده ام نمی دانم که آیا کتاب که ویراستار فارسی آن «هومن پناهنده» است، در صورت انگلیسی اش هم به این زیبایی و رونق و روشنی منتشر شده یا نه؟

حسن کامشاد با فراهم آوردن یک نمایه الفبایی جامع کار مراجعه کننده به این فرهنگ را از هر جهت آسان کرده است. و جز این با گذاشتن یک واژه نامه انگلیسی به فارسی در آخر کتاب، بسیاری از واژگان فلسفی را برای فارسی زبانان معنی کرده و کار اندیشیدن را برای آنان آسانتر نموده است. همچنانکه با

ادامه مطلب یادداشتهای بی تاریخ از صفحه ۲۲

پکن افتاده است. چینی ها برای اثبات حقانیت «کمونیسم رولزروسی» سعی دارند که در بازیهای پکن بیشترین طلاها را از آن خود کنند. برای این منظور پول خرج می کنند. به این اعداد در نهایت دقت توجه فرمایید.

۱- چین ۲۰ میلیارد دلار خرج آماده سازی خود برای بازیهای المپیک کرده است.

۲- چین ۳۰۰۰ مدرسه دولتی تربیت ورزشکار دارد؛ ۳- چین دارای ۴۰۰/۰۰۰ محصل در مدارس تربیت ورزشکار است.

الگو برداری این مدارس که به هیچ روی مورد ایراد این بنده نیست، درست از روی مدارس تربیت قهرمانان در کشورهای سوسیالیستی صورت گرفته است. این نوع تربیت از یک جهت لااقل در خور تأمل و تحسین است و آن، این که در آنها به قهرمان سازی در معنای تجاری کشورهای سرمایه داری توجه نمی شود بلکه بعد از آن که از این اردوی بزرگ، نیروی در خور توجهی بیرون آمد به آن نیرو از نظر تربیت بیشتر و ساختن قهرمان پرداخته می شود. طبیعی است که دانش آموزان این مدارس وقتی به مرحله ای می رسند که به قابلیت فیزیکی در خور توجهی نایل می آیند مربیان آنها را تحت تعلیم جدی تر با برنامه های قهرمان سازی قرار می دهند.

مجله هفتگی تایم در شماره ۲۳ ژوئن خود، رپرتاژ مفصلی از اردوگاههای آمادگی و بدن سازی به خاطر المپیک تهیه و ارائه کرده است نویسندگان عنوان رپرتاژ خود را «دیوانه برای طلا» برگزیده اند و عکسهایی از تمرینهای ورزشهای مختلف چاپ کرده اند که از هر جهت دیدنی است. در گزارش گفته می شود که کارشناسان و مربیان تربیتی ورزشی در جستجوی یافتن استعدادها، جوان، به روستاهای دور و نزدیک می روند و بچه هایی را که قابل تربیت برای قهرمانی تشخیص می دهند، انتخاب می کنند و به مدارس ورزشی منطقه می سپرند. این بچه ها معمولاً در سنین آخر دبستان و آغاز دبیرستان هستند. خبرنگاران تایم از غیر بهداشتی بودن تاسیسات این مدارس و فشاری که به بچه ها برای تمرینات سخت وارد می آید، حرف می زنند. البته مسئولان رسمی در مذاکرات خود با خبرنگاران مدعی هستند که در این مدرسه ها بچه ها فقط دو ساعتی در روز تمرین ورزش می کنند. اما دانش آموزان در غیاب مسئولان مدعی هستند که روزانه حداقل پنج ساعت مجبور به تمرین ورزش مورد نظرند. خبرنگار تایم می نویسد من در هیچ یک از خوابگاههایی که بازدید کردم کتاب و دفتری ندیدم. و این برشگفتی من در برابر ادعای مسئول مدرسه که گفته بود کار اصلی ما در این مدرسه تدریس است با احتساب تعلیم ورزش برای ایام فراغت دانش آموزان، می افزایشد. خبرنگار تایم می افزایشد وقتی من از «وان تینگ» دختر پانزده ساله که دوندگی است برنامه کارش را پرسیدم و سؤال کردم که ایام فراغتش را چگونه می گذارند، نگاهم کرد و گفت: «می دوم و می خوابم» و این تمام روز من است.

درباره این بحران، نویسندگان آخر قرن نوزدهم و اول قرن بیستم قصه ها نوشته اند که سرآمد آنان بی شک «جک لندن» است با آثار به یادماندنی اش که خشم و اعتراض او را به «جویندگان طلا» بخوبی نشان می دهد. اما امسال «تب طلا» از کالیفرنیا به پکن رفته است. قرائن نشان می دهد که چینی ها قصد دارند از این المپیک گراقتیمت و در عین حال بی سابقه با طلای فراوان بیرون بیایند. از نظر سیاست ورزشی و به هنگامی که ورزش به صورت یک ابزار سیاسی در اختیار حکومتها برتری طلب قرار می گیرد، این «اشتهای طلایی» سابقه تاریخی دارد. بسیاری از رژیم های سیاسی پیروزی ورزشی به ویژه پیروزی در بازیهای المپیک را مدرک «حقانیت» خود می پنداشته اند و به این جهت المپیک ها را سکوی پرش قرار می داده اند. تا زمانی که ایدالمپیک المپیک بارون پیر دو کورتن بر آریزم سرمایه داری و افزون طلبی سیاسی غلبه داشت بازیهای المپیک جدید از کجروپها و زیاده خواهی های رژیم ها در امان بود. اما از آغاز المپیک سیزدهم (۱۹۳۶-برلن) که هیترلر تصمیم گرفته بود در آن شایستگی های نژاد برتر را از طریق توفیق های ورزشی ثابت کند (و «جسی اونز» سیاهپوست آمریکایی با چهار مدال طلای ۱۰۰، ۲۰۰، ۴۰۰ متر امدادی و پرش طول او را خشمگینانه وادار به ترک استادیوم کرد)، زشتی های سیاست بر زیبایی های معصومانه ورزش غلبه کرده و هر بار به نحوی خود را نشان داده است.

در المپیک ۱۹۵۲ که شوروی ها برای نخستین بار پا به میدان بازیها نهادند شیوه تربیت قهرمانان و ارائه آنها در میدانهای ورزش به عنوان وسیله نشان دادن حقانیت طرز فکر اردوگاه سوسیالیستی درآمد. از آن سال تا روز فرو ریختن دیوار، اردوگاه سوسیالیسم به کار قهرمان سازی به طوری مشغول بود که هر بیننده ساده تلویزیون یا شنونده معمولی رادیو قبول می کرد که مدالهای طلایی که توسط این قهرمانان درو می شود دلیلی است بر صحت شیوه حکومتی اردوگاه شرق. اینک که این بنده نزدیک به پنجاه و پنج سال است به بازیهای المپیک نگاه می کنم، بی اختیار به یاد می آورم تلاشی را که در سالهای اوج جنگ سرد میان آمریکا و شوروی بر سر هرچه بیشتر بردن مدالهای طلا در می گرفت.

شاید در فرصتی مناسب درباره چگونگی پذیرفتن چین به بازیهای المپیک مفصلاً بنویسم و باز یادآوری کنم که چگونه با توطئه آمریکا، چین که حتی در شورای امنیت توانسته بود به جای تایوان بنشیند در نزد پیرمردان کمیته بین المللی المپیک هنوز «سرخ» بود و حق شرکت در بازیهای المپیک را نداشت و حتی گاه فدراسیونهای بین المللی فدراسیونهای ملی را که با چین داد و ستد ورزشی داشتند به محرومیت یا محرومیت موقت محکوم می ساختند.

اما حالا چین برگذار کننده بازیهای المپیک است و بیست و نهمین دوره این بازیها را برگزار می کند. «تب طلا» به جان

آریا



رستوران

Live Music & belly Dancing on Fridays & Saturdays

Call for reservation

با ۱۸ سال سابقه در رستوران های «اورنج کانتی» و برگزاری جشن ها و میهمانی ها و با داشتن

دو سالن «Banquets» و کادر مجرب آماده برگزاری میهمانی های شما با بهترین کیفیت

مکانی متفاوت، گرم، دوستانه و خانوادگی با غذاهای دلپذیر ایرانی و ایتالیایی پذیرای شما و میهمانان عزیزتان می باشیم

Lunch Special

M-F 11:00 to 3:00

با قیمت مناسب و سرویس عالی (با گوشت حلال)

سفارش غذا از بهترین مواد سالم و تازه تهیه شده.

رستوران آریا با افتخار تقدیم می کند:

هر شبانه خواننده خوش صدا، «مجید خستوان» به همراهی دی جی معروف «تیهور»

اول و بیست و نهم آگوست خواننده معروف ایتالیایی Pasquale

هشتم و بیست و دوم آگوست

با گروه موزیک پر شور و حال «کاوه»

(۴۰۸)۹۹۶-۹۶۰۶

19930 Stevens Creek Blvd., Cupertino, CA 95014

www.aryarestaurant.com

(408)996-9606